

جریانات بزرگ روحانیت میان بیژانس و جهان اسلام

نوشته دیمیتر انگلوف و ژنادی لیتاورین

خوبی بودند در ربع آخر قرن هفتم میلادی نخستین کشور اسلامی به نام بلغارستان در خاک امپراطوری روم شرقی بوجود آمد. روم شرقی با این کشور جدید روابط بسیار نزدیک و دائمی که گاه صلح آمیز و گاه دشمنانه بود برقرار کرد.

میان امپراطوری روم شرقی و اقبوسرب و کرووات تقریباً در اواسط قرن نهم میلادی و در زمانی که کشورهای مستقلی در غرب و شمال غربی شبه جزیره بالکان تأسیس شده روابط سیاسی برقرار گشت و برقراری چنین مناسباتی یا روسیا پس از سال ۸۶۰ میلادی اندک اندک آغاز شد.

در میان وسایلی مورد استفاده مأموران سیاسی و سیاستمداران امپراطوری روم شرقی مسیحی کردن افراد یکی از مؤثرترین شیوهها محسوب می شد. این عمل برحسب زمان و مکان و مقتضیات ممکن بود به عنوان یکی از شرایط مقدم بر توسعه آبی و مبتنی بر وسیله به منظور تشویب بیطرفی دوستانه، تسکین نفوذ سیاسی و جلب متعدها و فراهم آوردن دعایابی برای امپراطوری تلقی گردد. در مورد اقوام از نژاد اسلاو که در شبه جزیره بالکان مسکن اختیار کرده و با غرب مذهب بود از نخستین کشورهای اسلامی بودند از رشد به دین مسیحیت به منظور تحت انقیاد درآوردن و جذب و مستحیل ساختن آنها پاک وسیله بونی و تیریز. مذهب بشارت می یافت. قبل از لشکر کشی و پس از آن همیشه از طرف امپراطوری روم شرقی با مسزیمینهای که مورد حمله قرار می گرفتند سفایان مذهبی گسیل می شد.

سیاستمداران و روحانیون روم شرقی در مورد اینکه چگونه ملل مغلوب را به زیر سلطه خود درآوردند تجارب بسیار زیادی داشتند. آنها ضمن اتمام آیین مسیحیت در کشورهای و مستعمرات به مردمان به زبان دیگری سخن می گفتند بر خلاف غرب لاین به افرادی که آیین خود را می پذیرفتند اجازه می دادند تا عبادت و مراسم مذهبی را به زبان خود انجام دهند. آنها خاصه هنگام این امتیاز را می دادند که جنگ و مستحیل ساختن ملل مغلوب از نظر سیاسی محال بنظر می رسید.

مراوی بزرگ که دو سال جلوتر از تأسیس کشور سلطنتی بلغاریه بوجود آمده بود نخستین کشور اسلامی بود که در سال ۸۶۳ میلادی آیین مسیحیت روم شرقی را به طور رسمی پذیرفت.

الباقی اسلاو هم توسط سیریل و متد در این دوره وضع شد. این دو برادر همچنین تمام ادبیات مربوط به مراسم و قوانین مذهبی لازم برای انجام اعمال عبادی کلیسا را به زبانهای اسلاوی ترجمه کردند. در اطراف آنتونگروم از مردمان و شاگردان اسلاوی تشکیل یافت که نمایندگان اندک اندک اقوام گردید.

بولابها و بالنها و نیز کروآنها و اسلووفا در نتیجه وقوع حوادث مربوط به قرون نهم و دهم میلادی خارج از قلمرو شرقی مسیحیت قرار گرفته و همگی به فلسرو غربی مسیحیت پیوسته اند.

گسترش روابط میان نژاد اسلاو و امپراطوری روم شرقی بسیار پیچیده بود. کام اول برای برقراری تماس معمولاً از جانب اقوام اسلاو برداشته می شد. و در زمانی که این جامعه تا حدی به گمناک تایل آمد و کشورهای اسلاوی تأسیس گردید مناسبات استواری میان آنها و مردم شرقی برقرار گشت.

نخستین مناسباتی که تاریخ بسرآن گواهی می دهد در اواخر قرن پنجم و در حدود پایان مهاجرتهای بزرگ که ملکی آن اقوام اسلاو در اروپای شرقی و غربی و نیز در شبه جزیره بالکان برآکنده شدند صورت گرفت. در قرن هفتم اقوام اسلاو به شمال این شبه جزیره نفوذ پیدا کردند و بطور انبوه مدزیه، مقدونیه، ایلیری و ترانسان شمالی مسکن گزیدند. گروههایی از قوم اسلاو نیز تا قسالی، یونان مرکزی، بلوویوز و جزایر دریای آژه ییتروی نمودند.

از آن پس هدف مارتزات مسزیمینهای امپراطوری روم شرقی علیه قوم اسلاو این بود که آنها را به عقب نشینی وادار کند بلکه این بود که سابقه را به طاقت و ابتقاد خود درآورد و مجبور سازد تا آیین مسیحیت را بپذیرند.

به نسبت از امپراطوری گرنه نهند، تماس با امپراطوری روم شرقی وسیع و برآکنده شدن اقوام اسلاو در این سرزمین تسبب شد که در رشد اجتماعی آنها سرعت بیشتری بوجود آید. نژاد اسلاو ناطقیسی را اقتضای می کردند که مردم بومی در آنها از زمانهای بسیار قدیم گشت می کردند. در این مناطق کشاورزی، صیقل و زنده می شیری بسیار پیشرفته و وجود داشت. با آمدن قوم اسلاو مردم محلی از همه آن مناطق به سوی جنوب رانده شدند.

استقرار قوم اسلاو در شبه جزیره بالکان سرزوش خود امپراطوری روم شرقی نیز تأثیر فزاینده ای گذاشت. نژاد اسلاو خلاصه مربوط به امتحانات انسانی را که پس از حلاوت ویران گرانه قابل گشت، خون و طوایف جادوئیتین بلغار، آوار و خود قوم اسلاو در بسیاری از مناطق وجود آمده بود بر کرد.

گروههایی از قوم اسلاو که در منطقه مزیه و در پناه رودخانه دانوب، دریای سیاه و رشته کوههای بالکان مسکن گزیده بودند خود را در شرایط کاملاً مساعدی می یافتند. در این منطقه با شرکت فعالانه طوایف چادوئیتین بلغار به رهبری خان اسپاروه و تحت تسلط سیاسی سوفت این طایفه که مستفاد افرادیان اندک ولی دارای سازمان نظامی بسیار

تأثیر متقابل فرهنگی میان تمدن روم شرقی و همسایگان آن تا قرن نوزدهم میلادی بسیار شدید بوده است. در واقع امپراطوری روم شرقی در آن زمان پیشرفته ترین کشور اروپا و خود نزدیک و وارث فرهنگ کهن یونان باستان محسوب می شده است. این امپراطوری هسته قلمرو گسترده ای را تشکیل می داد که در آن مذهب ارتدوکس برزندگی معنوی مردم تسلط داشته است.

قسمت عمده قلمرو شرقی مسیحیت در حدود سال هزار سیمین تشکیل شد. این قلمرو در آن زمان سرزمینهای وسیعی از اروپای شرقی و جنوب شرقی و در هر گرفت و در عین حال در مناطق دیگر از جمله در خاور نزدیک و آفریقای شمالی به علت بروز جنگ میان امپراطوری روم شرقی و جهان اسلام (نخست جنگ با اعراب و سپس جنگ با ترکه ها) سرزمینهای مهمی را از دست داد. از جانب غرب لاین و دربار پاپ نیز اشتعابی که در سال ۱۰۵۴ از نظر مذهبی و کلیسایی میان روم و بیژانس رخ داده بود در نتیجه وقوع جنگهای صلیبی و یورش نیروهای مسیحی به سوی شرق روم شرقی صورت قطعی پیدا کرد. آثار سلطه فرهنگی امپراطوری روم شرقی استندک اندک در سرزمینهای از دست رفته همچو گرنه و سپس گذشت زمان و تنهای دیگر آن را تقریباً به طور کامل از میان بردند.

سرزوش قلمرو شرقی مسیحیت در مناطق شمالی که تحت تسلط خود اسلاو قرار داشتند بسیار متفاوت بود. تأثیر متقابل فرهنگی میان روم شرقی و جهان اسلام از این روایط استمرار ویژه ای برخوردار بود. این روایط تقریباً در سراسر تاریخ هزار ساله امپراطوری روم شرقی دوام پیدا کرده و گروههای بیومی از نژاد اسلاو را در بر گرفته است. تنها اقوام غربی اسلاو یعنی لیتوانیا، چکها، اسلوواکیها،

دیمیتر انگلوف (Dimitr Anguelov)، تاریخدان برجسته بلغاری که از سال ۱۹۹۹ به عنوان استاد تاریخ روم شرقی در دانشگاه سووفیه به تدریس اشتغال دارد. او از اعضای وابسته به فرهنگستان علوم بلغار است و مقالات و مطاب تخصصی فراوانی در باره تاریخ بلغارستان و روم شرقی نوشته است.

گنسای لیتاورین (Gennady Litavrine)، از متخصصان برجسته کشور اتحاد جماهیر شوروی در زمینه تاریخ مناسبات میان امپراطوری روم شرقی و روسیه پیشامی رود. این دانشمند که درباره «تاریخ امپراطوری روم شرقی» اثر عمده ای در سه جلد نگاشته است عضو هیئت تحریریه مجله روس «بیژانستک» در مینسک (عصر امپراطوری روم شرقی) است.

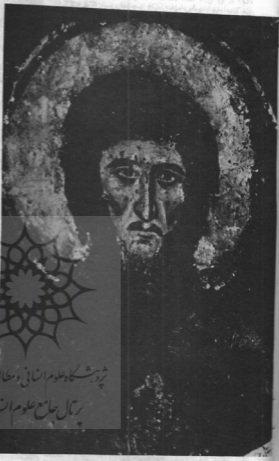
مسیحیت به کلیت بر مبنای الفبای رومی شکل گرفته است. این الفبا در اصل از الفبای یونانی گرفته شده و در سال ۱۰۵۴ میلادی در کنفرانس نیکیا در قسطنطنیه تصویب شد. در سال ۱۰۵۴ میلادی در کنفرانس نیکیا در قسطنطنیه تصویب شد. در سال ۱۰۵۴ میلادی در کنفرانس نیکیا در قسطنطنیه تصویب شد.

این حوادث در رشد آبی فرهنگ در بلغارستان و صربستان و در روسیه کهن نقش انقلابی ایفا کردند. توسعه و ترویج خط استخراج شده توسط سیریل و متد در پایان قرن نهم و در قرن دهم میلادی در تمام کشورهای اسلاوی به حد کمال خود رسید. در ترویج این خط و ادبیات به زبان باستانی اسلاوی خاصه کشور سلطنتی بلغارستان که بوجود آورنده آن بود نقش بی‌شکراهی ایفا کرد.

با اینهمه هنگامی که بلغارستان به مسیحیت گروید امپراتوری روم شرقی موضعاً بر گریه که با موضعی که در زمان گرویدن روم شرقی بزرگ به آیین مسیحیت انتخاب کرده بود فرق داشت. در سال ۸۶۵ که بلغارستان دین مسیحی را قبول کرد نه کشیشانی که دارای فرهنگ اسلاوی باشند و نه کتابهای مذهبی که به زبان اسلاوی ترجمه شده باشند هیچک از این دو در اختیار وی گذاشته نشد. در ایسن کشور اسلاوی مبادات و مراسم مذهبی میبایست به زبان یونانی انجام گیرد. و اینهمه از مقاصد سیاسی بسیار مشخص زمامداران روم شرقی بوده بر می‌دارد.

معملاً در سال ۸۹۴ بکار برهن زبان یونانی که سالیان متضادی زبان رسمی بشمار می‌رفت در کشور بلغارستان ممنوع اعلام شد. انجام مراسم مذهبی و عبادت به زبان اسلاوی در کلیساها متداول گردید و کشیشان یونانی بیرون رانده شدند. فعالیت تدریسی مدارس که تحت نظارت کلسان و ناام در او خرید و پسران تشکیل شده بودند سبب گردید که قلمرو آموزشی به‌طور قابل ملاحظه‌یی گسترش یابد. بدینسان اساس فرهنگ مستقلی نهاد شد که در آن زمان به بالاترین سطح خود رسید. این فرهنگ از بلغارستان پا را فراتر نهاد و در کشورهای اسلاوی همسایه و خاصه در صربستان و روسیه شیوع پیدا کرد.

بلغارستان در رشته ادبیات برای خود حتی دیک صیرملائی داشت. اسامی نویسنده‌گان بسیار استعدادی مانند ژان اکساراکه کشیش و آیانت، اسقف گستانتین و دیگران که سیمون رئیس قبیله بلغار در فاصله سالهای ۸۹۳ و ۹۲۷ میلادی ششما فرمانشاهی آنها را مورد تشویق قرار می‌داد به این دوره وابسته‌اند. شایع‌ت کلمه‌ی که میان دو زبان - زبانی که برای نوشتن بکار می‌رفت و زبانی که مردم بدان سخن می‌گفتند - وجود داشت برای رشد فرهنگ بلغارستان حائز اهمیت بود که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در آن دوره هنر معماری، نقاشی، موزائیک، کوزه‌گری، شیشه سازی و هنرهای مسمی به پیشرفت‌های بسیار زیادی نایل آمدند. این رشد به علت تحکیم مناسبات فرهنگی با امپراتوری روم شرقی و صربستان و روسیه در پایان قرن دوازدهم و در آغاز قرن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Photo Livorno

بردهای نقاشی کلیسای یویانا که در جنوب سرسوفیه در بلغارستان و در دامنه کوه وینوشا قرار دارند از شاهکارهای نقاشی قرن سیزدهم میلادی به‌شمار می‌روند. این پرده‌ها که متعلق به سال ۱۳۵۹ میلادی هستند از هنر روم شرقی متناظرند. هنرمند بلغاری در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی آثار واقع‌گرایانه را دوست داشتند و برای نقاشی چهره‌هایی که دارای علائم ملی شدید بودند ترجیح قائل بود. تصویر سن افرم کشیش یا چهره‌ی که در اثر ریاست و روزه بسیار لافز شده (تصویر بالا) نمونه‌ی از این نوع نقاشی به‌شمار می‌رود.

سیزدهم میلادی شاهد مرحله تازه‌ی گشت، در این دوره در رشد فرهنگ شاهزاده‌نشین‌های سرستان هم یک فرآیند مشابهی مشاهده می‌شود. آثار بسیار مهم فرهنگ سری‌خاصه در قلمرو ادبی در قرن دوازدهم میلادی لندگ اندک وجود آمدند.

شکوفایی فرهنگ سری‌نخت با په قدرت رسیدن خاندان نامایا و مهبز از آن با فرمانروایی استنان (۱۱۹۶-۱۲۲۸) وفادایت برادر وی ساوا اربیلاد دارد. ساوا اربالای کوه اتوس یک مرکز فرهنگ سری‌بهم نام سومه خیلاتاد و پدر از آن قلمرو استقی سرستان را تاسیس نمود.

گسترش واقعی مسائیات روسیه‌بسا امپراطوری روم شرقی اندکی دیرتر آغاز گشت. روسیه از قلمرو روم شرقی بسیار دور بود و از اینرو هیچگونه خطر حمله مستقیم از جانب امپراطوری مزبور نمی‌توانست آن را مورد تهدید قرار دهد. سیاستمداران روم شرقی از طریق اتخاذ با قوم پیچنگ می‌کوشیدند تا در برابر اقدامات جنگجویانه روسیه سدی بوجود آورند. با اینهمه آنها نتوانستند از دستگیری روسیه به دریای سیاه و بازارهای امپراطوری جلوگیری کنند. روسیه حتی پیش از آنکه به صورت یک کشور واحد درآید با خرسوز و کلیساکا که مستعمرات امپراطوری روم شرقی در شبه جزیره کریمه بودند روابط بازرگانی مهم برقرار کرده بود. سپس گروهی از مردم روس که به تاجر و هم جنگجو بودند به مراکز بازرگانی روم شرقی در ساحل جنوبی دریای سیاه پای گشودند. درسال ۶۰۰ پس از میلاد روسی چو پاتدیوارهای شهر قسطنطنیه لنگر انداخت. امپراطوری روم شرقی در عین حال که روی روسیه نفوس فرهنگ بیشتری داشت در زمینه اقتصادی و سیاسی مغلوب و متفاد وی گشت.

از دهه هفتم قرن نهم میلادی گروهی از نجایک روس از پذیرفتند. در آغاز قرن دهم کلیساینخت روسیه قدیم یک کلیسای مسیحی به نام مسیحیت - ست - انی برای خود داشت. در اواسط همین قرن نهم شاهزاده ایکور موسوم به ایو اسکا که بر روسیه فرمانروایی می‌کرد یویداسکا خود از قسطنطنیه به مسیحیت گروید و با همین عنوان به کشور خود بازگشت. در سال ۹۸۹ روسیه آیین مسیحی را به عنوان یک دین رسمی پذیرفت.

فرهنگ و ادبیات بلغار که در آن زمان از نمای بسیار زیادی برخوردار بودند نقش میانجی و شریک را ایفا کردند. رشد فرهنگی روسیه بسیار مدیون آنها است.

از همان آغاز قبول مسیحیت ولادیمیر شاهزاده بزرگ کاری برای سازمان دادن به امور دینی و اداری از خط اسلاوی استفاده کرد. مدیون ترویج نخستین افراد برای آیین منظورها به کمک کشورهای ارتوگکس جنوبی اسلاو آموزش دیدند.

کثر از نهم قرن پس از قبول آیین مسیحیت پیشرفت فرهنگی خاص روسیه کیف آغاز شد و در قرن دوازدهم میلادی به اوج خود رسید. آموزش ابتدایی به طور گسترده‌ی رواج یافت - بر این امر صدها نوشته یویدوست درختان که باستان‌شناسان شوروی هم‌ساله کشف می‌کنند و بازگشتی روانه اربیلاد دارند گواهی می‌دهد - کاخها و کلیساهای با عظمت

ساخته شد. هنر نقاشی و هنرهای عملی شکوفا گشتند. کیف با دروازه طلایی و کلیسای با عظمتش به نام سنت - سوفیا (ایلیویه) در قرن یازدهم میلادی از نظر درخشندگی و شکوه با بنی قسطنطنیه به رقابت پرداخت.

تأثیر امپراطوری روم شرقی در ادبیات آموزنده مذهبی و اخلاقی، هنر معمارانی سنگی، هنر موزائیک‌سازی، ساختن شیشه‌های رنگی، نقاشی تصاویر آروای دین مسیح، بقایع بسیار با جنب و نیز در هنر تذهیب کتاب کاملا نمایان است. ولی یک قرن یا یک قرن و نیم پس از قبول آیین مسیحیت در این زمینه‌ها هم یک سبک هنری اصیل و هم زبان ادبی وسیع کاملا خاصی بوجود آمد. اقوام اسلاو، سنتهای هنری و فرهنگی مربوط به زمان پیش از مسیحیت را حفظ و در خود مستحیل ساختند. الگوهای بی‌اسی راه‌په‌تر خلافت‌های تغییر دادند و آنها را با نطق و بی‌نظمیهای خود منطبق کردند.

تأثیر روم شرقی در انواع ادبی غیر مذهبی خاصه در تاریخ نگاری، آثار آموزشی و سفرنامه‌ها و نیز در موسیقی و آواز، هنرهای عملی، هنرهای تزئینی، مراسم مربوط به عیاد و ایس و تریین منازل چندین محسوس نبوده است. در قلمرو زندگی معنوی که نسبتا دور از ایندولوژی مذهبی رسمی است سن محلی‌ها که به زمانهای بسیار قدیم مربوطند با درخشندگی چشم می‌خورند. مثلا امروزه اگر سن زنده فرهنگ اسلاوی متعلق به دورانهای پیش از مسیحیت شناخته نشود، کم‌بیش می‌توان به محتوای فرانه‌های حماسی سری‌بیرود و نه سر تروان مراسم مربوط به عیاد ملی بلغارستان و اشعار دزمی سریه هم یاد کرد.

مطالعه رویه انتخابی جامعه اسلاو نسبت به فرهنگ روم شرقی نقش بازرگانیه‌ی در فرآیند آخذ فرهنگ ایفا نمود. این رویه از هر دو طرف تلاقی حقیقی مناسقت داشت. امپراطوری روم شرقی آنچه را که برای اقوام تازه وارد در آیین مسیحیت خطرناک می‌دانست در اختیار نژاد اسلاو نمی‌گذاشت از آن جمله رساله‌های مذهبی تازه که مباحثات شدید و ترواوی را دربرداشت. رهبران کشورهای تازه گرویده به آیین مسیحیت نیز به گونه خود آنچه را که بیکانه از زبان او به نظرشان نرسید نمی پذیرفتند از آن جمله باید به کارگردان فراد مطوعه‌السلار برای آیین اسلاو و با دستگیری شدیدی به مخالفت استنبولی با نام برد.

اگر تمدن روم شرقی به دستاویز صمیمی شد علت آن مخصوصا این بود که برخی از جنبه‌های آن غیر قابل قبول به نظر می‌رسید. مجموعه‌های حقوقی گوناگونی که از قرن هشتم تا قرن چهاردهم میلادی در سرزمین روم شرقی نوشته شدند و به نظر گسترده‌ی در اروپای جنوب شرقی بخش ویرا گشته در سرزمین قوم اسلاو در دستهای اسلاوی‌نشان مورد تکرار گواهی اساسی قرار گرفتند و مطالب بسیار زیادی بدانها افزوده شد و با از آنها حذف گردید. در روسیه تأثیر حقوق عرفی امپراطوری روم شرقی عملا نامحسوس باقی ماند. در اینجا دروسکایا برآوده یعنی مجموعه‌ی از حقوق قضایی حاکم بود که بسیاری از مقررات آن به دوران پیش از مسیحیت تعلق داشتند.

در غرب لاین با وجود قابلیت بگواشت سازی که مرکز ایندولوژیکی و مذهبی مشترک

اسلاو

رای همه (مرکز فرمانروایی پاپ) اصالت می‌کرد و با وجود اینکه زبان لاین (زبان بگاکه و نامفهوم برای توده مردم) در زندگی مذهبی و نوشته‌های اداری و علوم و فرهنگ تسلط داشت از قرن نهم تا قرن دوازدهم میلادی در همه کشورهای مهم فرهنگی اسلاوی وجود یافتند. در کشورهای اسلاوی و در قلمرو شرقی مسیحیت تشکیل فرهنگهای اصیل واجد جنبه‌هایی بود که نسبت به غرب به‌طور موثرتری به این فرآیند کمک کردند. در این سرزمینها ایستکی مذهبی در مقابل قسطنطنیه کمتر از وابستگی کشورهای غرب در برابر روم بود. از سوی دیگر زمانی که برای نوشتن و آموزش بکار می‌رفت زبان یونانی بود بلکه زبان کتب اسلاوی بود که همه مردم در بلغارستان و کربستان و روسیه با آن آشنایی داشتند.

همه این کشورها پنجاه تا صد سال پس از قبول آیین مسیحیت دارای فرهنگ ادبی و هنری اصیلی بودند.

هنگامی که امپراطوری روم شرقی بوقی گروید تا قدرت بر نظریه دوسرزمینهای بالکن به دست آورد و قلمرو سلطنتی بلغارستان را از میان برآورد و شاهزاده‌نشینهای صرب را مطیع خود سازد این نیروی نه تنها سبب شد که فرهنگ قبایل صرب و بلغار در فرهنگ روم شرقی جذب و مستحیل گردد بلکه جنبه‌ی توانست در سنت‌های فرهنگی آنها دگرگونی محسوس بوجود آورد. در این دوره فرهنگ اصیل نژاد اسلاو دیگر کاملا شکل گرفته بود. خاطره تاریخی آنها از یک کشور مستقل و آزاده ادبیات و علم، آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی و بالاخره آگاهی نژادی آنها همگی به پرچم میازویه سلطانه برای دست‌یابی به استقلال سیاسی مبدل گشت. در دهه نهم قرن دوازدهم سیسلادی بلغارستان و کربستان استقلال خود را مجددا به دست آوردند و به صورت دو کشور مستقل درآمدند.

شده‌ترین کشمکشها در داخل قلمرو شرقی مسیحیت در جاهایی اتفاق می‌افتاد که در آن امپراطوری روم شرقی سرمخانه می‌کوشید تا جامعیت فرهنگی را که خود وی بوجود آورده بود به یک دستگاه سیاسی و ادبی مطیع و متفاد مبدل سازد.

بنابراین شخصیت فرهنگی نژاد و قاریخی قوم اسلاو در قلمرو شرقی مسیحیت از قرن دهم و یازدهم میلادی مانع از این شد که آنها در امپراطوری روم شرقی جذب و مستحیل شوند. ولی بدون تردید تشکیل این شخصیت با قبول آیین مسیحیت روم شرقی از جانب آیین ملل غرب بیشتر می‌باشد.

بنابراین اتفاق نیست اگر علاقه عمیق و متقابل که اقوام جنوبی و شرقی اسلاو را به ملت یونان پیوند می‌داد فریب نشادی حفظ کرد و نیز نظامی نیست آکسر پس از کاشخ قلمرو ارتدکسی اروپایی برای سقوط امپراطوری روم شرقی و کشورهای جنوب اسلاو مللی که مغلوب تر کل عثمانی شدند چشم امید به روسیه دوخته باشند.

د. آنکولوف، وک. لیاوون

«سیریل» به کمک برادرش «متد» برای ارشاد اقوام اسلاو به آیین مسیحیت اقدام بعمل آورد. برای این منظور او الفبای «سیریلی» را اختراع کرد و تورات و متون مذهبی یونانی را به زبان اسلاوی برگرداند. استعمال این الفبا در قرن دهم میلادی از طریق بلغارستان در روسیه بسیار رواج یافت و در قرن شانزدهم در زمان سلطنت پتر کبیر تغییر شکل پیدا کرد و به صورت الفبای روسی درآمد. این الفبا حتی در میان اقوام غیر اسلاوی از قبیل لاکوتها، قزاقها، اودمورتها و آقشیهای شمال دور و آلتای مورداستانه قرار گرفت. تعدادی از متون نوشته شده روی پوست درختان که در سال ۱۹۵۱ در نووگورود کشف شده‌اند نشان می‌دهند که سوادآموزی تنها به یک گروه تنگه اختصاص نداشته بلکه از زمانهای بسیار قدیم بوده مردم هم بدان دسترسی داشته‌اند.

تصویر شماره ۱ دستنویسی از قرن چهاردهم میلادی است که سن سیریل و سن متد را که ارشادکنندگان قوم اسلاو و به آیین مسیحیت بودند در حال رونویسی کتاب تورات و انجیل به زبان اسلاوی نشان می‌دهد. در تصویر شماره ۲ قسمتی از نقاشی دیواری نمایی یکی از کلیساهاهای قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، را دربرساردا واقع در بلغارستان مشاهده می‌کنید که سن سیریل، فیلسوفی را نشان می‌دهد. در تصویر شماره ۴ مجسمه چوبی سن کلمان اوخرید یکی از پاران و شاگردان



Photo © Ed. (Artista Bulgare), Sofia



Photo © Editions du Seuil, Paris

سیریل و متد را که در قرن هجدهم میلادی ساخته شده است می‌بینید. تصویر شماره ۲ نامه پرسبچاهفتساگه یی را به نام اوتیم که هفتصدونجاه سال پیش در نووگورود روی پوست درخت قان نوشته شده است نشان می‌دهد. در قسمت بالا الفبا و پس از آن تصاویری از او نیم و دوستان وی و در قسمت پایین تصویر خود او نیم که ششمنی را به زمین‌الکنده است دیده می‌شود.

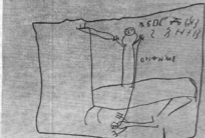


Photo © Ed. Littérature pour enfants, Moscou



Photo © Courcier de l'Unesco, édition russe